

Siasate motalieh, 7th Year, No.26, Autumn 2019, pp. 291-308
DOI: 10.22034/sm.2019.37745

Alawites rule; the manifestation of the divine intelligent power

Azimollah nabilu¹

*1. Doctor of Science and Education of Nahjol Balagheh, Faculty of Science and Education of Hadith,
Department of Nahjul Balagheh, Quran University and Hadith, Qom, Iran; nabilu62@gmail.com*

Received: 11 December 2018; **Accepted:** 4 October 2019

Abstract

The main goal of the present study was to demonstrate and adapt the concept of "the divine intelligent power" in Alawites doctrine, with respect to Nahj al-Balagha.

The research method was descriptive-analytical. Primarily, the concept of intelligent power under four different titles including leadership, hard power, soft power and integration ability has been demonstrated. After that, its realization in Alawites government via charisma, progress, emotional intelligence, environmental intelligence and social and political intelligence was debated.

Afterwards, the reason behind superiority of "Alawites intelligent power" according to four principles was argued. The principles include the superior power, leading nature of power, gracious viewpoint toward citizens, and denial of conceding in power.

Keywords: Intelligent power, Alawites government, Nahj al-Balagha, Government Patterns, Charismatic Leadership

حکومت علوی؛ تجلی قدرت هوشمند متعالی

عظیم‌اله نبی‌لو^۱

۱. دکترای علوم و معارف نهج‌البلاغه، دانشکده علوم و معارف حدیث، گروه نهج‌البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران:
nabilu62@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین و تطبیق مفهوم «قدرت هوشمند متعالی» در آموزه‌های علوی با تمرکز بر نهج‌البلاغه بود. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و بعد از تبیین مولفه‌های قدرت هوشمند در چهار عنوان رهبری، قدرت سخت، قدرت نرم و توانایی تلفیق، به شواهد تحقق آن در حکومت علوی در عناوینی چون کاریمایی، ترقی‌جویی، هوش احساسی، هوش محیطی، هوش اجتماعی، هوش سیاسی پرداخته شده است. همچنین چرایی متعالی بودن «قدرت هوشمند علوی» بر اساس چهار اصل توجه به قدرت برتر، امانت بودن قدرت، نگاه رحمانی به شهروندان، نفی اباحه‌گری در قدرت مورد بحث قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: قدرت هوشمند، حکومت علوی، نهج‌البلاغه، الگوهای حکمرانی، رهبری کاریماتیک.

مقدمه

سیاستمداران در طول تاریخ به دنبال یافتن مدل حکمرانی موفق و مطلوب، از الگوهای مختلفی پیروی کرده‌اند، اما ناکامی آنان در رسیدن به اهداف خود و برآورده کردن مطالبات شهروندان، آنان را به تکاپو و تلاش برای ارائه مدل‌های جایگزین و جدید سوق داده است. یکی از الگوهای نوین در مفاهیم سیاسی، مفهوم «قدرت هوشمند» در ارتباط با رهبران سیاسی و مدیریت آنان بر جوامع در رابطه با شهروندان و همچنین در مواجهه با بحران‌های سیاسی و اجتماعی است.

پژوهش پیش‌رو با اعتقاد به وجود الگوی حکمرانی موفق و مطلوب در سیاست علوی، به تبیین و تطبیق مفهوم فوق در آموزه‌های علوی برآمده و اساساً ریشه و بنیان چنین برداشت‌هایی را در مدل حکمرانی علوی می‌بیند. ضمن اینکه رویکرد اتخاذ شده در این پژوهش کلامی نبوده، بلکه با رویکرد سیاسی و مدیریتی انجام شده است. از این رو، قداست امام معصوم و برتری او از جمیع جهات در این پژوهش محفوظ بوده و هدف تنزل دادن جایگاه آنان نبوده است.

پیچیدگی، گستردگی، متغیر بودن ماهیت قدرت و تحول منابع آن، تعریف این واژه را برای صاحب‌نظران مباحث سیاسی دشوار نموده است. از این رو هر تعریفی از این واژه با موارد نقض و تضادهایی مواجه می‌شود که امکان تعریف جامع و مانع را نسبت به آن امکان‌ناپذیر می‌کند. جوزف نای^۱ در این باره می‌نویسد: «قدرت از جهاتی مانند آب و هوا می‌باشد، همه به آن مربوط هستند و در مورد آن صحبت می‌کنند، اما فقط عده کمی آن را می‌فهمند ... قدرت در عمومی‌ترین سطح یعنی توانایی بدست آوردن نتایجی که شخص خواهان آن است ... لغتنامه قدرت را توانایی تاثیرگذاری در رفتار دیگران جهت رسیدن به نتایج دلخواه معنا می‌کند» (نای، ۱۳۸۷ الف: ص ۳۸). در نتیجه تطور و تحول در مقوله قدرت واژه جدیدی را با عنوان «قدرت هوشمند» وارد مباحث صاحب‌نظران این عرصه کرده است که پژوهش حاضر به تبیین مفهومی این واژه و بررسی ارتباط

1. Joseph Nye

آن با رهبری و حکومت علوی می‌پردازد، زیرا حکومت پنج ساله علوی الگوی مناسبی برای تبیین و اجرای قدرت هوشمند در مدیریت جهان امروز است. با مطالعه تاریخ و حوادث دوران کوتاه حکومت علوی به شاخص‌هایی دست می‌یابیم که می‌توان با اصل قرار دادن آنها در مدیریت پیچیده جهان امروز، نقش آفرین بود، زیرا آنچه جهان امروز بدان رسیده یا در تلاش برای رسیدن به آن است در مدت کوتاه حکومت امیرالمومنین (ع) به مرحله بروز رسیده و الگوی کاملاً پویایی برای جهت دادن به حرکت انسان‌ها می‌باشد. قدرت از منظر امیرالمومنین (ع) همان «حکومت بر قلب‌ها و تسخیر قلوب» است که از ناحیه آن اراده‌های پولادینی شکل می‌گیرد که هیچ قدرت سختی نمی‌تواند به مقابله با آن برخیزد. نیروی درونی انسان‌ها از منظر امیرمومنان (ع) آنقدر می‌تواند قوی و اثرگذار باشد که تمامی قدرت‌ها را درهم شکنند و بر هر زر و زور و تزویری فائق آید.

تاکنون پژوهش‌های گسترده‌ای پیرامون قدرت صورت گرفته است که برخی از آنها عبارتند از: کتاب «رهبری و قدرت هوشمند»، اثر جوزف نای. در این کتاب مباحث گسترده‌ای پیرامون قدرت هوشمند مطرح شده است و اساساً پیوند رهبری و قدرت هوشمند مساله اصلی در این کتاب بوده که مهارت و قدرت ترکیب قدرت نرم و سخت را بر عهده رهبری گذاشته و مفهوم قدرت هوشمند را به خوبی شرح داده است.

– پایان‌نامه «آسیب‌شناسی قدرت از دیدگاه امام علی (ع) با تأکید بر نهج‌البلاغه» در مقطع کارشناسی ارشد، اثر نعمتی. تمرکز این پژوهش بر آسیب‌های قدرت همچون کبر، خودکامگی، استبداد و غیره بوده و از همین مجرا به برخی از نقاط قدرت متعالی در نهج‌البلاغه مانند توجه به قدرت برتر اشاره شده است و در نهایت به روش‌های دفع و رفع آسیب‌های قدرت پرداخته شده، اما از «قدرت هوشمند» سخنی به میان نیامده است.

– مقاله «تولید قدرت نرم در گفتمان انقلاب اسلامی» اثر ایزدی و محمدی. در این مقاله از تحول مفهومی قدرت سخن به میان آمده و از قدرت نرم و قدرت هوشمند متعالی سخن گفته شده است و گفتمان انقلاب اسلامی را موجد و واجد مفهوم جدید قدرت می‌داند. هرچند مفهوم

جدید قدرت را از منظر حکومت علوی مورد بررسی قرار نداده است.

- مقاله «قدرت هوشمند؛ تحول نوین قدرت در عصر جهانی شدن»، اثر قربانی شیخ نشین، کرمی و عباسزاده. تمرکز این مقاله بر تحول مفهوم قدرت از قدرت سخت و نرم به قدرت هوشمند است، اما هیچ گونه اشاره‌ای به قدرت هوشمند علوی ندارد. بلکه اصل مساله را مورد کاوش قرار داده و عامل موفقیت حکومت‌ها را در عصر جدید در قدرت هوشمند می‌داند.

- مقاله «قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران و انقلابات خاورمیانه، اثر کبریایی‌زاده. در این مقاله به مزیت‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و مزیت‌های ژئوپولیتیک، نظامی و دفاعی قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده و قابلیت ایران در تحولات منطقه خاورمیانه با بهره‌گیری از قدرت هوشمند مورد بررسی قرار گرفته است.

- مقاله «قدرت سخت، قدرت نرم، قدرت هوشمند، اثر ویلسون. مقاله اصیل و مناسبی در باب قدرت هوشمند است و به تبیین قدرت هوشمند در ابعاد مفهومی، نهادی، سیاسی، نظامی و غیره پرداخته است.

- دیدگاه: گفتگوی اینترنتی با جوزف نای (۱۳۹۰) مبدع نظریه قدرت نرم و استاد دانشگاه هاروارد. در این گفتگو به پرسش‌هایی درباره قدرت هوشمند پاسخ داده شده و امکان استفاده از قدرت هوشمند در کشورهایی مانند چین، روسیه، ترکیه و ایران مورد بحث قرار گرفته است، اما موضوع پژوهش حاضر مورد پرسش نبوده است.

آنچه در پژوهش حاضر مد نظر قرار گرفته است، یافتن ریشه‌های قدرت هوشمند در آموزه‌های علوی، به ویژه در کتاب «نهج‌البلاغه» است که وجه تمایز این پژوهش با تحقیقات گذشته می‌باشد.

اهمیت پژوهش از مفهوم قدرت هنگامی روشن می‌شود که به اختلاف و تنوع آراء در تفسیر دقیق از قدرت سیاسی واقف شویم و ناکارآمدی الگوهای گذشته را مرور کنیم. در چنین فضایی اندیشمندان به دنبال ایده و طرحی نو در مدیریت کلان جامعه خواهند بود که در لسان برخی از اندیشمندان و سیاستمداران به «قدرت هوشمند» تعبیر می‌شود. طرحی که سیاستمداران در طول

سالیان متمادی با تجربه به آن نائل شده‌اند. در حالی که در آموزه‌های دینی، به ویژه در مدل حکومت علوی، به‌طور عینی تحقق یافته است، اما غفلت سیاستمداران اسلامی از سرمایه‌های درونی خویش، بکارگیری آن را در اداره جوامع اسلامی به تعویق انداخته است. در نتیجه ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر هنگامی روشن‌تر می‌شود که بدانیم آنچه امروز جامعه‌شناسان و سیاستمداران بدان رسیده‌اند، ریشه در آموزه‌های اسلامی به ویژه آموزه‌های علوی دارد که در دوره مختصری از تاریخ به اجرا درآمده است و مستندات آن در خطبه‌ها و نامه‌هایی و در قالب کتاب «نهج البلاغه» گردآوری شده است.

چارچوب نظری

در ادامه نوشتار بعد از تعریف قدرت هوشمند و ذکر مولفه‌های آن، به بیان شواهد قدرت هوشمند علوی و تطبیق آن با آموزه‌های علوی می‌پردازیم.

۱. قدرت هوشمند و مولفه‌های آن

قبل از بکارگیری واژه «قدرت هوشمند»، قدرت سخت و نرم دو واژه متداولی است که در ادبیات اندیشمندان سیاسی وجود داشته و دارد. قدرت سخت معنای روشنی دارد و آن تمرکز بر زور و فشار است که با روش‌هایی چون تشویق، تهدید، تنبیه، رشوه، تحریم اقتصادی، استخدام، اخراج و تنزل مقام، ترفیع و پاداش، دستور و اجبار، قتل، اعدام، شکنجه، جنگ و غیره انجام می‌گیرد. «بیش از چهارده قرن پیش نیکولو ماکیاولی^۱ به شاهزادگان ایتالیایی این گونه گفت: اینکه مردم از شما بترسند مهمتر است از اینکه شما را دوست داشته باشند» (نای، ۱۳۸۷ الف: ص ۳۷). در کنار قدرت سخت واژه جدیدی با عنوان قدرت نرم توسط جوزف نای ابداع شد و وارد ادبیات اندیشمندان سیاسی گردید. ایشان در تعریف این واژه می‌نویسد: «قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه نه از طریق اجبار یا تطمیع. قدرت نرم از جذابیت فرهنگ،

1. Nicolo Machiavelli

ایده‌آل‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور ناشی می‌شود. وقتی سیاست‌های ما از نظر دیگران مشروع و مورد قبول باشد، قدرت نرم ما افزایش می‌یابد ... وقتی بتوانی دیگران را وادار کنی ایده‌آل‌هایت را بپذیرند، و آنچه را بخواهند که تو می‌خواهی، در این صورت مجبور نخواهی بود برای هم‌جهت کردن آنها با خود، پول زیادی صرف اجرای سیاست هویج و چماق کنی» (نای، ۱۳۸۷ الف: ص ۲۳-۲۵). با این بیان روشن می‌شود که تمرکز «قدرت سخت» بر «تهدید و فشار» و تمرکز «قدرت نرم» بر «جذب و انقلاب درونی در انسان‌ها و الهام بخشی» قرار دارد.

قدرت هوشمند با تطور مفهوم قدرت از تلفیق «قدرت سخت» و «قدرت نرم» به وجود آمده است، یعنی هنگامی که یک فرد یا یک حکومت بخواهد از هر دو اهرم قدرت سخت و قدرت نرم با مهارت و هنرمندی تمام و هوشمندانه استفاده کند، این توانمندی را «قدرت هوشمند» می‌نامند. جوزف نای در تعریف قدرت هوشمند می‌نویسد: «توانایی ترکیب قدرت سخت و نرم در یک راهبرد موثر، قدرت هوشمند است». با مطالعه کتاب «رهبری و قدرت هوشمند» می‌توان دریافت که قدرت هوشمند چهار مولفه اساسی دارد: رهبری، قدرت سخت، قدرت نرم، توانایی تلفیق. توانایی تلفیق قدرت سخت و نرم در شرایط متفاوت و غیرقابل پیش‌بینی که نیازمند فراست و اشراف بر شرایط محیطی و تحلیل صحیح جریان‌های پیرامونی و بسیج کردن پیروان در یک جهت مشخص است، هنر و مهارتی را می‌طلبد که می‌توان از آن به «قدرت هوشمند» تعبیر کرد. از این رو، «قدرت هوشمند» بدون داشتن مولفه رهبری اساساً بی‌معنا و غیرقابل تصور است، زیرا یگانه فردی که قدرت تلفیق بین قدرت سخت و نرم را دارد رهبری بوده و بدون آن ارکان «قدرت هوشمند» متزلزل و پایه‌های آن لرزان می‌باشد، لذا، تفکیک بین «قدرت هوشمند» و «رهبری» امکان‌ناپذیر است.

۲. شواهد قدرت هوشمند متعالی علوی

با شناخت مولفه‌های قدرت هوشمند و رابطه آن با رهبری به بررسی این مفهوم در حکومت علوی می‌پردازیم. سوال اساسی این است که آیا امیرالمومنین (ع) از قدرت هوشمند در دوران حکومت خود برخوردار بود؟ آیا مولفه‌های قدرت هوشمند در مدیریت جامعه اسلامی در مدت

مختصر حکومت علوی وجود داشت؟ در صورت وجود «قدرت هوشمند» وجه تفاوت قدرت هوشمند علوی با قدرت هوشمند مورد نظر اندیشمندان سیاسی چیست؟ سرّ «متعالی بودن» قدرت هوشمند علوی کدام در چیست؟

برای اثبات اصل وجود «قدرت هوشمند» در دوران حکومت علوی، مرور حوادث تاریخی عصر ایشان و فضای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر آن زمان و کیفیت مدیریت جریان‌ها و همچنین توجه به شخصیت امیرالمومنین(ع) به عنوان یک رهبر و چهره کاریزما ضروری است. همانطور که اشاره شد پیوند قدرت هوشمند با رهبری، پیوند ناگسستنی است. از این رو اثبات رهبری امیرالمومنین(ع) در جامعه آن روز دنیای اسلام مولفه کلیدی قدرت هوشمند را تأمین می‌کند. تاریخ گواه این حقیقت است که هرچند بعد از رحلت پیامبر اسلام(ص) امور جامعه اسلامی طبق روال طبیعی خود پیش نرفت، اما رهبری امیرالمومنین(ع) به عنوان یگانه شخصیتی که می‌توانست بعد از نبی مکرم اسلام(ص) زمام امور مسلمین را بر عهده گیرد و کشتی به حرکت درآمده اسلام را به سر منزل مقصود برساند، علی(ع) بود. این حقیقت شواهد فراوانی دارد که از هر دو جناح طرفدار امیرالمومنین(ع) و جناح مخالف مورد اعتراف قرار گرفته است. تعبیر به «القطب من الرحا» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: ص ۴۸ و ۱۷۵) که در دو جای کتاب نهج‌البلاغه از زبان امیرمومنان(ع) صادر شده، خود گواه روشنی بر عینیت یافتن پتانسیل رهبری در شخصیت علی(ع) است. جالب اینجا است که در خطبه سوم نهج‌البلاغه، آگاهی خلیفه اول از جایگاه امیرالمومنین(ع) و مهارت رهبری مورد توجه قرار گرفته و با تعبیر به «وانه لیعلم» به این مطلب تصریح شده است. به بیان شهید صدر، خلفای ثلاثه کاملاً آگاهانه به غصب خلافت پرداختند و عمر خلیفه دوم مسلمانان گفت: پیامبر(ص) خواست علی(ع) را متولی امور مسلمانان کند، اما من مانع این کار شدم، به خاطر مراعات اسلام و مصلحت اسلام (صدر، ۱۴۳۲ق: ص ۲۰۶).

ابن ابی الحدید در شرح خویش بر نهج‌البلاغه در مقام بیان توانمندی و هوشمندی امیرالمومنین(ع) در مدیریت بحران‌های دوران خویش می‌نویسد: «به خاطر شواهد فراوانی که وجود دارد، متکلمان بر حسن سیاست و صحت تدبیر علی(ع) استدلال کرده‌اند، زیرا کسی که

مواجهه باشد با مردمی با آراء پراکنده و لشگری نافرمان و سرکش و با همان‌ها دشمنان را شکست دهد و فرماندهان آنان را به قتل رساند، هیچ کس در تراز او نخواهد بود. اگر اهل انصاف در سیاست علی(ع) با شرایط دوران حکومت ایشان تأمل و تدبیر کنند، به خاطر دشواری و سختی کار، آن را در حد معجزه خواهند دید، زیرا مردم در آن روز دو دسته شده بودند و برخی به کفر حضرت تصریح می‌کردند و علی‌رغم همه گرفتاری‌ها، اگر به همین مقدار از سیاست ایشان بسنده کنیم، برای دلالت بر اینکه ایشان آگاه‌ترین، حاذق‌ترین و عالم‌ترین فرد نسبت به سیاست و اداره امور جامعه بود، کافی است (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ق: ج ۷، ص ۷۳-۷۴).

۲-۱. علی(ع) رهبری کاریزماتیک

کاریزما در کاربرد متداول، قدرت ویژه یک شخص برای القای حس شیدایی و وفاداری است. رهبران کاریزماتیک اغلب افرادی مطمئن به خود، با ایمان مستحکم، انرژی زیاد، با شور و شوقی که به دیگران منتقل می‌کنند و توانایی دستکاری نمادهای قدرت و موفقیت برای ایجاد جذابیت احساسی برای پیروان توصیف می‌شوند ... کاریزما از زبان مذهبی می‌آید و واژه‌ای یونانی معادل «موهبت مقدس» یا «موهبت جذابیت» است (نای، ۱۳۸۷ب: ص ۱۱۸).

در اینکه کاریزما در فرد ریشه دارد یا در پیروان یا در موقعیت؛ برخی از نظریه‌پردازان می‌گویند در هر سه ... احتمال دارد نیاز به رهبر کاریزما در شرایط بحران افزایش یابد ... رهبران کاریزماتیک در ارتباطات، بصیرت، اطمینان، سرمشق بودن و مدیریت تصویری که به وجود می‌آورند، ماهر هستند (نای، ۱۳۸۷ب: ص ۱۱۹-۱۲۲).

با عنایت به توصیفی که از کاریزما بودن رهبران بیان شد، می‌توان دریافت که امیرالمومنین(ع) در شرایط بحرانی آن روز دنیای اسلام یگانه شخصیت کاریزماتیک بود که از یک طرف دارای جاذبه شخصیتی و از طرف دیگر دارای اوصاف برجسته‌ای چون شجاعت، ایمان، اطمینان، استحکام، بصیرت، اسوه، مدیر و مدبر و غیره بود که در فضای بحرانی آن روز همه دل‌ها را به سوی خود متوجه ساخت و با تراکم جمعیت بالا، با ایشان جهت اداره نظام اسلامی بیعت شد. بیعتی مختارانه، آزادانه و در ملاء عام تا هیچ تردیدی برای کسی باقی نماند. حضرتش در توصیف

روز بیعت می‌فرماید: «دستم را باز کردید و من بستم، آن را کشیدید، ولی من جمع کردم، آنگاه همچون شتران تشنه به وقتی که به آبشخورهایشان وارد می‌شوند بر من هجوم آوردید، تا جایی که بند کفش پاره شد، و عبا از دوش افتاد، و ضعیف زیر پا ماند، و مردم به خاطر بیعتشان با من آنچنان خوشحال شدند که کودکان هم از این معنی به وجد آمدند، و پیران ناتوان با گام‌های لرزان، و بیماران با مشقت فراوان، و دختران نو رسیده بی‌نقاب برای تماشای این منظره روی آوردند» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: ص ۳۵۰).

۲-۲. علی(ع) رهبری دگرگون‌کننده و ترقی‌جو

با توجه به ناکافی بودن شخصیت کاریزمایی در اداره یک جامعه، نظریه‌پردازان رهبری آن را با مفهوم وسیع‌تری یعنی «دگرگون‌کننده بودن» پیوند داده‌اند. رهبران دگرگون‌کننده پیروان خود را نیرومند می‌کنند، بالا می‌برند و از تعارض و بحران برای پرورش آگاهی پیروان خود و دگرگون کردن آنها استفاده می‌کنند. رهبران دگرگون‌کننده پیروان را ترغیب می‌کنند که به خاطر اهداف والاتر گروه از منافع شخصی خود بگذرند که این متن رابطه را می‌سازد کاریزما در معنای کشش شخصی تنها بخشی از رهبری دگرگون‌کننده است رهبران دگرگون‌کننده بیشتر به قدرت نرم الهام‌بخشی و منافع جمعی تمرکز دارند، بر خلاف رهبران تراکشی که بیشتر بر قدرت سخت تهدید و پاداش متمرکزند (نای، ۱۳۸۷ق: ص ۱۲۷-۱۲۹).

آری امیرالمومنین(ع) سیاستمداری دگرگون‌کننده و ترقی‌جو بود. او ناراضی به وضعیت موجود و خواهان تغییرات اساسی در اداره نظام اسلامی بود. لذا، فرمود: «اگر قدم‌هایم در این لغزش‌گاه‌ها استوار بماند، چیزهایی را تغییر خواهم داد» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: ص ۵۲۳) یا اینکه فرمود: «آنچه را شما (از روی جهل) منکر آن هستید، ما را قدرت تغییر آن هست» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: ص ۲۴۷).

ایشان در اولین سخنرانی در مدینه به هنگام بیعت مردم درباره تغییرات اساسی در آینده فرمود: «سوگند به خدایی که پیامبر(ص) را به حق مبعوث کرد، سخت آزمایش می‌شوید، چون دانه‌ای که در غربال ریزند، یا غذایی که در دیگ گذارند، به هم خواهید ریخت، زیر و رو خواهید شد، تا

آنکه پایین به بالا، و بالا به پایین رود، آنان که سابقه‌ای در اسلام داشتند، و تاکنون منزوی بودند، بر سر کار می‌آیند، و آنها که به ناحق، پیشی گرفتند، عقب‌زده خواهند شد» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: ص ۵۷).

۲-۳. علی (ع) رهبری دارای قدرت تلفیق

ایشان قدرت سخت و نرم را در کنار هم به صورت تلفیقی با تمرکز و اولویت دادن به قدرت نرم به کار می‌گرفت و همواره تلاش او بر عدم خونریزی، بلکه بر هدایت انسان‌ها و یافتن راه صواب بود. لذا، سبک اول در مدیریت علوی «سبک الهام‌بخشی» بود و هنگامی که نسخه‌های شفاف‌بخش علوی بر برخی قلوب مرده و قساوت یافته کارگر نمی‌شد، نسخه نهایی پیچیده شده و داغ نهادن و جنگ بعد از شروع دشمن آغاز می‌شد. از این‌رو «سبک تراکنشی» آخرین مرحله در فرایند مدیریتی و راهبردهای نظامی ایشان بود. ایشان در بیان ترتیب اولویت خویش در مدیریت بحران‌ها می‌فرماید: «و اگر چاره‌ای نباشد، آخرین درمان، داغ نهادن است» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: ص ۲۴۳).

۲-۴. علی (ع) رهبری دارای هوش محیطی

هوش محیطی یک مهارت تشخیصی شهودی بوده که به رهبر کمک می‌کند تاکتیک‌ها را با اهداف هماهنگ کند تا در شرایط متغیر، راهبردهای هوشمندی ارائه دهد ... رهبران دارای هوش محیطی تنش بین ارزش‌های متفاوت دخیل در یک موضوع و چگونگی متعادل کردن آنچه مطلوب بوده، با آنچه میسر است را درک می‌کنند. هوش محیطی نیازمند بکارگیری جریان رویدادها برای پیاده‌سازی یک راهبرد است ... بدون هوش محیطی تصمیم‌گیرنده بودن کافی نیست. فهم محیط برای رهبری اثربخش حیاتی است (نای، ۱۳۸۷: ص ۱۷۵-۱۷۸).

امیرالمومنین (ع) دارای هوش محیطی بود، یعنی زمان و زمینه‌شناس بود. ایشان رنگارنگی فضای عصر خویش و غبارآلود بودن آسمان فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را درک می‌کرد و به تعبیری فضاشناس خوبی بود و می‌فرمود: «رهایم کنید و غیر مرا بخواهید، زیرا ما با حادثه‌ای روبرو هستیم که آن را چهره‌ها و رنگ‌ها است، حادثه‌ای که دل‌ها بر آن استوار، و عقل‌ها بر آن

پایدار نمی‌ماند. آفاق حقیقت را ابر سیاه گرفته، و راه مستقیم دگرگون و ناشناخته شده است (سید رضی، ۱۴۱۴ق: ص ۱۳۶).

۲-۵. علی(ع) رهبری واجد هوش احساسی

هوش احساسی همان تسلط بر خود، انضباط و استعداد همدلی است که به رهبران این امکان را می‌دهد که علایق خود را به دیگران منتقل و آنها را جذب کنند هوش احساسی دو مولفه اصلی دارد: تسلط بر خود و برقراری رابطه با دیگران هوش احساسی به رهبران کمک می‌کند کاریزما یا جاذبه شخصی خود را در محیط‌های مختلف مدیریت کنند مدیران ارشد و روسای جمهوری که زیر نگاه دقیق دیگران قرار دارند چه بدانند و چه ندانند، همیشه پیام‌هایی را ارسال می‌کنند، هوش احساسی آگاهی و کنترل چنین پیام‌هایی را شامل می‌شود (نای، ۱۳۸۷ب: ص ۱۳۸-۱۴۱).

هوش احساسی در واقع همان توان تنظیم گفتارها و رفتارها در مواجهه با دیگران و تناسب آنها با هر فرد یا گروه خاص است. طبیعتاً کسی می‌تواند گفتارها، رفتارها، حرکات و سکنت خود را نسبت به انسان‌ها تنظیم کند که دارای تسلط بر نفس و کنترل‌کننده هیجانان و احساسات خود باشد.

بیان علوی در نامه ۵۳ ناظر به همین موضوع است آنجا که می‌فرماید: «خشم، شدت، غضب، سرکشی، قدرت و تیزی زیانت را در اختیار گیر، و از تمام این امور به باز داشتن خود از شتاب در انتقام، و تأخیر انداختن حمله و سطوت، خود را حفظ کن، تا خشم آرام گردد و عنان اختیارت را مالک شوی.

۲-۶. علی(ع) رهبری دارای مهارت ارتباطات (هوش اجتماعی)

رهبران واجد قدرت هوشمند از توانایی ارتباط بالایی برخوردارند. ارتباطات کلامی و غیر کلامی می‌تواند در تولید قدرت نرم کمک شایانی کند. همانطور که ارتباطات کلامی از جمله خطابه و گفتگوهای پیرامونی و درون گروهی می‌تواند تاثیر فراوانی در جذب انسان‌ها داشته باشد، ارتباطات غیرکلامی از جمله ساده‌زیستی، زهد و سبک زندگی یا ارائه الگوهای معروف و مقبول

جامعه می‌تواند در جذب انسان‌ها تاثیر بسزایی داشته و باعث افزایش قدرت نرم شود (نای، ۱۳۸۷ب: ص ۱۴۲-۱۴۵).

امیرالمومنین(ع) در داشتن مهارت‌های کلامی به ویژه خطابه رقیبی نداشت. تاریخ شاهد نام‌آوری علی(ع) در عرصه خطابه‌های توحیدی، اخلاقی، نظامی و حماسی است و پیرامون ارتباط‌های غیرکلامی(مانند زهد و ساده‌زیستی) نیز امیرالمومنین(ع) زبانزد خاص و عام است. در این باره در نامه ۴۵ نهج‌البلاغه خطاب به عثمان بن حنیف می‌خوانیم که فرمود: «آگاه باش، امام شما از تمام دنیایش به دو جامه کهنه، و از خوراکش به دو قرص نان قناعت نموده. معلوماتان باد که شما تن دادن به چنین روشی را قدرت ندارید، ولی مرا با ورع و کوشش در عبادت، و پاکدامنی و درستی یاری کنید. به خدا قسم من از دنیای شما طلایی نیندوخته، و از غنائم فراوان آن ذخیره‌ای برنداشته، و عوض این جامه کهنه‌ام جامه کهنه دیگری آماده نکرده‌ام».

۲-۷. علی(ع) رهبری واجد چشم‌انداز

چشم‌انداز یکی از راه‌های رهبران برای کمک به ایجاد اهداف مشترک است. معمولاً چشم‌اندازها تصویری از آینده ارائه می‌دهند و تغییر را ترغیب می‌کنند ... بدون چشم‌انداز هدایت دیگران به تغییر دشوار است یک چشم‌انداز موفق باید برای محافل مختلف پیروان و شرکت‌کنندگان جذاب باشد (نای، ۱۳۸۷ب: ص ۱۴۵-۱۵۰).

هنگامی که بیعت با امیرالمومنین(ع) شکل گرفت، ایشان علی‌رغم همه مشکلات پیش روی جامعه اسلامی، آینده روشنی را برای آنان ترسیم کرد و با تکیه بر اصولی چون مردم‌سالاری، عدالت، حق‌مداری، مهرورزی، آزادی، صلح‌گرایی و مانند آن روزنه‌امیدی را در دل‌های مسلمانان ایجاد کرد تا در سایه آن با حمایت پیروان به سوی اهداف مشترک گام بردارد. از این رو مردم هم با آگاهی از شخصیت علی(ع) و عزم جزم ایشان به حمایت او پرداختند و برای تحقق اهداف متعالی ارائه شده گام‌های بلندی برداشتند. هرچند این اصلاحات و تغییرات اساسی با موانع فراوانی از جمله جنگ‌های داخلی مواجه شد، اما علی(ع) هیچ‌گاه از ارزش‌های خود کوتاه نیامد، زیرا می‌دانست که مسیر انتخاب شده دارای آینده‌ای درخشان و چشم‌اندازی پویا و متعالی است.

۲-۸. علی(ع) رهبری دارای هوش سیاسی

آنچه در تفسیر «هوش سیاسی» از زبان و نوشتار سیاستمداران و اندیشمندان سیاسی بیان می‌شود، چیزی نیست جز زورگویی، ارعاب، فریب، دغل‌کاری و سلطه‌گری و مانند آن که در حقیقت سیاست مستکبران و ظالمان عالم است که از بدو تاریخ تاکنون سیاست را به سیاست ظالمانه و برتری‌جویانه تفسیر کرده‌اند. از این زاویه سیاست‌مدارترین فرد کسی است که توان فریب و نیرنگ و زورگویی بیشتری داشته باشد و در حقیقت آنچه در معنای هوش سیاسی گفته می‌شود، یک سیاست شیطانی است که انسانیت و شرف آدمی در آن جایی ندارد.

از این رو امیرالمومنین(ع) «هوش سیاسی» را چهره‌ای نو بخشید و تفسیری نوین ارائه داد و آنانی را که برای رسیدن به قدرت و سیطره بر انسان‌ها به هر وسیله‌ای متوسل می‌شوند، حقه‌بازان روزگار نامید و از اساس کار آنان را ناصواب دانست. ایشان در پاسخ به اتهاماتی که از ناحیه دوستان و دشمنان خویش مطرح می‌شد، فرمودند: «به خدا قسم معاویه زیرک‌تر از من نیست، ولی او خیانت می‌ورزد و گناه می‌کند، و اگر غدر و مکر نکوهیده نبود، من از زیرک‌ترین مردمان بودم، ولی هر نیرنگی معصیت است، و هر معصیتی نوعی کفر است، و هر نیرنگ بازی را در قیامت نشانه‌ای است که به آن شناخته می‌شود» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: ص ۳۱۸).

۲-۹. سرّ متعالی بودن قدرت هوشمند علوی

از آنچه تاکنون گذشت هوشمندی امیرالمومنین(ع) در مدیریت جامعه اسلامی در اوج بحران‌ها روشن می‌شود. اما اینکه رمز و راز متعالی بودن این قدرت چیست و تعالی آن بر چه بنیان‌هایی استوار است با ذکر چهار مبنای اساسی پایه‌های قدرت در مدیریت و سیاست علوی روشن خواهد شد.

۹-۲-۱. اصل توجه به قدرت برتر

آنچه پایه و اساس «قدرت هوشمند متعالی» علوی در مدیریت نظام اسلامی است، «اصل توجه به قدرت برتر» است. این اصل پایه و اساس اصول آتی است. کانون تمرکز و استواری سایر اصول بر همین یک اصل بوده و اگر این اصل را برداریم گویا زیربنای همه شاخص‌های «قدرت هوشمند

متعالی» علوی را برداشته‌ایم. توجه به قدرت برتر باعث می‌شود تا حاکم قدرت خود و تمام ماسوای قدرت برتر را ناچیز و کوچک بشمارد و تنها برای همان قدرت اعلی سر فرود آورد. حضرت امیر(ع) در این باره می‌نگارد: «هرگاه حکومت برای تو خودبزرگ‌بینی و کبر به وجود آورد، به بزرگی سلطنت خداوند که فوق توست و قدرتی که بر تو دارد و تو را بر خودت آن قدرت و توانایی نیست، نظر کن، که این نظر کبر و غرورت را می‌نشانند، و تندی و شدت را از تو بازمی‌دارد، و عقل از دست رفته را به تو بازمی‌گرداند. از برابر داشتن خود با عظمت حق، و از تشبیه خود با جبروت خداوند بر حذر باش، که حضرت او هر گردنکشی را خوار، و هر متکبری را بی‌ارزش و پست می‌کند (سید رضی، ۱۴۱۴ق: ص ۲۶).

۹-۲-۲. امانت بودن قدرت

نگاه امانی به قدرت و اینکه قدرت، نعمت و فرصتی است که برای ابتلای صاحب قدرت قرار داده شده است و این امانت اعطایی باید سالم واگذار شود و هرگونه خدشه و معیوب ساختن آن ضمانت را به دنبال دارد و آدمی باید در پیشگاه قدرت برتر پاسخگو باشد، چنین نگاهی نوع عملکرد یک حاکم را تغییر خواهد داد، همچنان‌که نوع تعامل او با مردم را اصلاح خواهد کرد. توجه به اصل امانی بودن قدرت می‌تواند حاکم را در حفاظت صحیح از قدرت بسیج کند و از هرگونه عملی که به زوال آن یا معیوب شدن آن منجر می‌شود، پرهیز دهد. بیان علوی در نامه ۵ نهج‌البلاغه خطاب به اشعث بن قیس، صراحتاً به این موضوع پرداخته و لازمه امانت بودن قدرت را چنین بیان می‌دارد و می‌فرماید: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است، باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی، تو حق نداری نسبت به رعیت استبدادی ورزی، و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی».

قدرت امانت است و حاکم امین آنکه باید در مراقبت از قدرت و احقاق حقوق مردم در سایه آن اهتمام کامل ورزد. لذا، در برابر اموال توده مردم و بیت‌المال مسلمین، عرض، ناموس و حقوق حقه آنان مسئولیت کامل دارد.

۹-۲-۳. نگاه رحمتی، محبتی و هدایتی به انسان‌ها

در نگاه رحمانی و هدایتی، قدرت خود وسیله‌ای برای اهداف و آرمان‌هایی والاتر است و طبیعتاً برای رسیدن به ارزش‌های بالاتر باید از قدرت نردمانی برای کسب آن ارزش‌ها فراهم کرد. جنس چنین رویکردی نرم و مایه هم‌افزایی و التیام و اتصال انسان‌ها به یکدیگر بوده که اساس و بنیان جذب انسان‌ها و تحول درونی آنها است که ثمره آن اراده‌های پولادینی است که هر قدرت سختی را درهم خواهد شکست و طاغوت‌های هر عصر و مصری را به توقف و ندامت خواهد کشاند.

امیرالمومنین(ع) در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه در تاسیس این نگاه خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: «مهربانی، محبت و لطف به رعیت را شعار قلب خود قرار ده، بر رعیت همچون حیوان درنده مباش که خوردن آنان را غنیمت دانی، که رعیت بر دو گروهند: یا برادر دینی تو هستند، یا انسان‌هایی مانند تو».

۹-۲-۴. نفی اباحه‌گری در قدرت

آنچه در زمامداری دنیای قدیم و جدید مرسوم است، یعنی بکارگیری هر شیوه‌ای برای حراست از قدرت و پیشبرد اهداف حاکم، با اعمالی چون فشار، تهدید، قتل، ظلم، جنایت، بیدادگری و تطمیع و مانند آن در مدل زمامداری علوی جایگاهی ندارد. هنگامی که پایه و اساس یک حکومت بر نفی هرگونه عمل نامشروع و غیرقانونی شکل گرفت، چنین قدرتی بنیان خود را بر عنصری متعالی بنا نهاده است. امیرالمومنین(ع) در حکومت خویش التزام و پایبندی خود را به این اصل اساسی با جملاتی مانند: «اتامرني ان اطلب النصر بالجور» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: ص ۱۸۳) و «و ما كنت متخذ المضلين عضدا» (کهف: ۵۱) بیان نمود و در مرحله اجرا نیز همینگونه عمل کرد. التزام علوی به این اصل بنیادین تا آنجا بود که اعتراض برخی از صحابه و محبان علی(ع) را نیز به همراه داشت. کلمات دُرَر بار علوی و عملکرد ایشان در دوران حکومت خلفای ثلاث و دوران کوتاه حکومت خویش گویای این واقعیت است که هدف وسیله را توجیه نمی‌کند و برای رسیدن به اهداف متعالی باید صرفاً از مسیر حق و صحیح اقدام نموده و با گناه و اقدام ناصواب

نباید هدفی را دنبال کرد (ر.ک: دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲: ص ۲۱۰-۲۴۸).

نتیجه گیری

حکومت علوی تجلی قدرت هوشمند متعالی بود زیرا:

- علی(ع) رهبر بود، فانوس راه بود و تمام ویژگی های یک رهبر برجسته و توانمند در او فراهم بود.

- دارای قدرت نرم بود و اصالت را به قدرت نرم یعنی جاذبه و انقلاب درونی انسانها داده بود.

- دارای قدرت سخت بود و آخرین گزینه برای او اعمال قدرت سخت بود.

- علی(ع) هنر تلفیق قدرت نرم و سخت را به بهترین شکل داشت.

- پایه های تعالی قدرت هوشمند علوی بر چهار رکن «توجه به قدرت برتر، امانت بودن قدرت، نگاه رحمانی و مودتی و هدایتی به انسان، نفی اباحه گری در قدرت» بنا شده است.

منابع

قرآن کریم

- نهج البلاغه. سید رضی. مصحح صبحی صالح. قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۳۷۸ق). شرح نهج البلاغه. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. مصر: دار احیاء الکتب، ج ۷.
 ۲. ایزدی، فواد؛ محمدی، محمدجواد (۱۳۹۰). تولید قدرت نرم در گفتمان انقلاب اسلامی. مطالعات بسیج، سال چهاردهم، شماره ۵۳: ص ۵-۳۲.
 ۳. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۲). جمال دولت محمود: حکومت امام علی (ع) حکومت موفق تاریخ. تهران: دریا.
 ۴. صدر، محمدباقر (۱۴۳۲ق). ائمه أهل البيت (ع) ودورهم فی تحصین الرساله الإسلامیه. قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر، چاپ دوم.
 ۵. قربانی شیخ نشین، ارسلان؛ کرمی، کامران؛ عباسزاده، هادی (۱۳۹۰). قدرت هوشمند؛ تحول نوین قدرت در عصر جهانی شدن. روابط خارجی، شماره ۱۲: ص ۱۲۵-۱۵۰.
 ۶. کبریاییزاده، حسین (۱۳۹۰). قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران و انقلابات خاورمیانه. روابط فرهنگی، سال اول، شماره ۴: ص ۹-۲۰.
 ۷. نای، جوزف (۱۳۸۷/الف). رهبری و قدرت هوشمند. ترجمه محمودرضا گلشن پژوه، الهام شوشتریزاده. تهران: ابرار معاصر.
 ۸. نای، جوزف (۱۳۸۷/ب). قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل. ترجمه محسن روحانی، مهدی ذوالفقاری. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
 ۹. نای، جوزف (۱۳۹۰). گفتگوی اینترنتی با جوزف نای مبدع نظریه قدرت نرم و استاد دانشگاه هاروارد. روابط فرهنگی، سال اول، شماره ۴: ص ۳-۶.
 ۱۰. نعمتی، معصومه (۱۳۸۹). آسیب های قدرت از دیدگاه امام علی (ع) با تاکید بر نهج البلاغه. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه پیام نور.
 ۱۱. ویلسون، ارنست جی. (۱۳۹۰). قدرت سخت، قدرت نرم، قدرت هوشمند. ترجمه. طاهره جهان پرور. روابط فرهنگی، سال اول، شماره ۴: ص ۷۸-۸۷.